

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گارگاه نگارش علمی و آموزش ویرایش «استاد عبدالرحیم موگهی»

نویسنده: استاد سیده خدیجه اسماعیلی

مدرسه علمیه: قدسیه بهشهر

دی ماه ۱۳۹۷

گارگاہ نگارش علمی «استاد عبدالرحیم موگھی»

کارگاه نگارش علمی «استاد عبدالرحیم موکھی» جلسه اول

عنوان اصلی درس ما مهارت نگارش علمی است. اما قبل از اینکه وارد بحث شویم دو سه تا نکته را به صورت کوتاه و مختصر عرض کنم یکی اینکه این کلاس ما به صورت کارگاهی خواهد بود و در نتیجه با هم گفتگو و مباحثه خواهیم کرد و داستان‌نویس یا مونولوگی است، دیالوگی نیست. بنده سؤالاتی می‌کنم شما پاسخ خواهید داد، نکته دوم این است که این کلاس به صورت فشرده خواهد بود از الان تا عصر. نویسندگی مباحثش بسیار مفصل‌تر است. اما ما سعی می‌کنیم مطالب خوبی را ارائه دهیم. به قول مولوی: گر بریزی بحر را در کوزه‌ایی، چند گنجی که در کوزه‌ای، یعنی شما اگر می‌خواهی دریایی را در یک کوزه بریزی قطعاً کوزه جای یک دریا را ندارد آنچه که نصیب ما می‌شود این است که به اندازه یک روز آب خوردن از این کوزه نصیب ما خواهد شد. پس ما هم در رابطه با مباحث نویسندگی توجه داشته باشیم. دوران طولانی مدت را به ۳ دوره تقسیم کردیم: ۱. دوره عمومی ۲. دوره عالی ۳. دوره تخصصی.

نکته‌ها و تجربه‌های نویسندگی

اولین نکته: نویسنده باید نگاهی عمیق و دقیق داشته باشد.

کسی که بخواهد نویسنده شود باید توجه داشته باشد که نگاهش نسبت به دیگران متفاوت باشد و یکی از تفاوت‌ها این است که نویسنده باید عمیق و دقیق باشد.

سهراب سپهری می‌گوید: چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید، اگر ما بتوانیم جور دیگر بینیم در نویسندگی، نویسنده موفق خواهد بود. طبیعتاً سخنران موفق خواهد بود و استاد و مدرس موفق خواهد بود. پس به این نکته توجه داشته باشید.

یکی دیگر از نکته‌هایی که در این کارگاه باید به آن توجه داشته باشیم درست‌نویسی است. در صرف خواندیم

کلمه اسم، کلمه‌ای است که همزه‌اش نوشته می‌شود اما خوانده نمی‌شود. مثل بعضی از کلمات فارسی، خورشید

واوش نوشته می‌شود اما خوانده نمی‌شود یا خواهر. کلمه اسم در بعضی جاها هم در خواندن حذف می‌شود هم در

نوشتن. کلمه اسم قاندهاش این است که همزه نوشته می شود خوانده نمی شود. ولی یک مورد استثنا شده که هم خوانده نمی شود هم نوشته نمی شود مثل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هر وقت بعد از کلمه «الله» باشد در آنجا ما همزه اسم را در نوشتن هم حذف می کنیم و هم نمی خوانیم. پس وقت داشته باشید که فقط در کلمه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» استثناء شده. نکته سوم: بِاسْمِ رَبِّ الزُّهْرَا أَيْ عَلَيْهِ السَّلَام زیباتر است اینجا یا سلام علیها، هر دو درست است. اولی علیه السلام یعنی سلام خدا بر حضرت زهرا، دومی هم یعنی سلام علیها که یعنی درود خدا بر حضرت زهرا کدامشان زیباتر است. هر دو زیبا هستند اما یکی خیلی زیباتر است. گاهی وقتها پاسخ ممکن است درست باشد. اما باید دلیل بیاوریم و دلیل هم باید درست باشد.

یکی دیگر از چیزهایی که در بحث نگارش داریم زیبایی است، دومی زیباتر است، در دومی یک آرایه ادبی وجود دارد به نام سجع. قبل از اینکه نگارش علمی را توضیح دهیم یک طرح درسی را بیان می کنیم. آرام آرام وارد بحث خواهیم شد. قبل از اینکه نگارش و نویسندگی را تعریف کنیم طرح درس نویسندگی را می نویسیم:

تعریف نویسندگی

ارزش و اهمیت نویسندگی

آثار و فواید نویسندگی

مقدمات نویسندگی

لوازم نویسندگی

راه های نویسنده شدن

مراحل نویسندگی

قالب های نویسندگی

ویژگی های نوشته خوب

ارکان نویسندگی

پاسخ اشتباه بهتر از جواب ندادن است. مولوی مثالی دارد که می‌گوید: کوشش بیهوده به از خفتن است. اگر آدم تلاش کند، تلاشش بیهوده باشد بهتر از این است که در حالت خواب و استراحت باشد. نویسندگی یعنی چه: قبل از اینکه تعریف نویسندگی را بگوییم، انواع بیان را مطرح می‌کنیم: یک مقدمه‌ای است که می‌خواهیم برسیم به آن.

انواع بیان

۱. بیان شفاهی

۲. بیان کتبی

۳. بیان اشاره‌ای

۴. تصویری

وقتی شما یک تابلویی را می‌بینید یک چیز نقره‌ای در بالای آن وجود دارد یعنی عبور یک طرفه. حضرت آیت‌الله بهجت زمانی که استخاره می‌گرفتند اگر خوب بود، اگر خوب نبود اگر متوسط بود اصلاً نمی‌گفتند خوب، بد یا متوسط است این جزو بیان اشاره‌ای است «یک طلبه لبنانی خدمت ایشان رفتند استخاره گرفتند جبهه جنگ در خوزستان شرکت کنند که حضرت آیت‌الله بهجت استخاره گرفتند آیت‌الله بهجت فرمودند خوب است، بوی شهادت می‌آید» پس این شد انواع بیان. شفاهی، کتبی، اشاره‌ای، تصویری. می‌رسیم به تعریف نویسنده:

انواع نوشتن:

یک: عام

دو: خاص

می‌توانید حدس بزنید نوشتن به معنای عام چه چیزی می‌تواند باشد؟ و به معنای خاص چه چیزی؟ عام عبارت است از بیان کتبی آنچه درون آدمی است. به زبان عادی که دانسته‌ها، خواسته‌ها، اندیشه‌ها، عواطف، احساسات، تخیلات و مانند آن را دربر می‌گیرد و هدف از آن پیام‌رسانی است. و به اینگونه نوشتن می‌گویند نگارش و به کسی که این کار را انجام می‌دهد می‌گویند نگارنده. نوشتن به معنای خاص: عبارت است از بیان کتبی آنچه درون آدمی است به زبان هندی و هدف از آن زیبایی‌آفرینی است. به این گونه نوشتن می‌گویند نویسندگی و به کسی که این کار را انجام می‌دهد می‌گویند نویسنده. مثال: برای نوشتن معنای عام دو نکته بود: زبان عادی است و هدف

پیام‌رسانی است. در نوشتن به معنای خاص زبان هنری ولی هدف زیبایی‌آفرینی است. مثال: برای نوشتن به معنای عام: خورشید طلوع کرده بود که من از خواب برخاستم. این یعنی شما به مخاطب داری پیامی را انتقال می‌دهی آن هم به زبان بسیار ساده و عادی. اما نویسندگی اگر باشد زبان می‌شود هنری هدف هم می‌شود علاوه بر انتقال پیام زیبایی‌آفرینی همین مثال به زبان هنری: گل خورشید شکفته بود که من با خواب خداحافظی کردم. کجای آن هنری شد؟ نویسنده خورشید را به یک گل تشبیه کرد و طلوع خورشید را به شگفتن آن گل و بعد هم به خواب شخصیت بخشید انگار که یک انسان است. این می‌شود زبان هنری و هدف زیبایی‌آفرینی است. اما دقت داشته باشیم نقش اولیه زبان پیام‌رسانی است. یعنی انسانها در تعامل با یکدیگر نیازهایی داشتند به خاطر اینکه نیازهایشان برآورده شود با مخاطب ارتباط برقرار کردند پس هدف انتقال پیام بود. آرام‌آرام زبان یک نقش ثانویه هم پیدا کرد که علاوه بر پیام‌رسانی، زیبایی‌آفرینی را هم مسئولیت آن پذیرفت یک نکته مهم که باید به آن توجه داشت: در نگارش به هیچ وجه ذوق و استعداد نیازی نیست. چرا؟ در نگارش یک استعداد هستند یک سری ادبی هستند. که شما این‌ها را یاد می‌گیرید و بعد به کار می‌گیرید. اصلاً نیازی به ذوق و استعداد ندارد. مثلاً شما وارد یک سالن می‌شوید روی تابلو نوشته درب را ببندید یا ممکن است بیرون نوشته باشد صندوق پیشنهادت و انتقادات. در هر دو نوشتن، نوشتن به صورت عام است. پس هر دو مثال برای نگارش است و نگارندگی. حالا می‌خواهیم بگوییم در این دو مثال ۲ قاعده وجود دارد. این قاعده‌ها که یاد بگیرید و درست بکار بگیرید. اولی یک اشتباه دارد. یکی از این کلمات لطفاً درب را ببندید اشکال دارد. درب واژه عربی است و جمع آن دروب است مثل قلب و قلوب، درب و دروب، و درب در زبان عربی درهای بزرگ مانند درهای کاروانسراها است. پس درب فارسی نیست و عربی است و در زبان عربی به این درها نمی‌گویند درب می‌گویند باب. پس اگر می‌خواستیم عربی هم بنویسیم باز هم درست ننوشتیم. حتماً باید بنویسیم در را ببندید، کلمه «در» فارسی است. پس یاد گرفتیم که واژه‌ها را باید درست بکار ببریم. مثال بعدی، آیا اشکالی دارد یا ندارد؟ آیا بکار بردن کلمات عربی در فارسی اشکال دارد یا ندارد؟ ما در زبان فارسی و در نوشتار فارسی اصل بر این است که واژه‌های فارسی رایج و مأنوس به کار ببریم. اگر احیاناً واژه‌ای از زبان بیگانه، چه عربی چه انگلیسی چه فرانسه فرق نمی‌کند وارد زبان ما شد ما باید اولین

کاری که بکنیم سریع معادل‌سازی کنیم معمولاً فرهنگستان زبان و ادب فارسی یکی از مسئولیت‌هایش همین است. الان کتابی را چاپ کردند نوشتند واژه‌های مصوب فارسی مثلاً هلیکوپتر را گفتند بالگرد یا چرخ باد یا آسانسور را گذاشتند بالا بر. پس اصل بر این است که ما باید واژه‌های فارسی رایج و مأنوس به کار ببریم و هر زبانی به هر دلیلی وارد شد و ما معادل نساختیم و جا افتاد اشکالی ندارد که ما آن واژه خارجی را به کار ببریم چیزی که باید دقت کنیم این است که دستور زبان بیگانه را نباید وارد زبان کنیم. ما از عرب‌ها واژه‌هایی را وام گرفتیم کتاب، قلم، دفتر، این‌ها عربی است. عرب‌ها از فارسی وام گرفتند. گاهی وقت‌ها ما هم از آن‌ها وام گرفتیم، تغییراتی دادیم، حذف کردیم، اضافه کردیم، گاهی وقت‌ها تلفظ را تغییر دادیم در زبان عربی بوده مداوای ما از عرب‌ها گرفتیم و حرف آخر را حذف کردیم. این تغییر و تحولات را هم ما می‌دهیم و هم آن‌ها. پس نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که: اصل بر این است که در زبان فارسی واژه‌های فارسی رایج و مأنوس به کار ببریم، اگر واژه فارسی باشد اما رایج و مأنوس نباشد آن را هم به کار نمی‌بریم مثلاً بگویند این واژه به چه معناست؟ «آزفنداک» کاملاً فارسی است معنی آن رنگین‌کمان است که فارسی آن خیلی فارسی است. می‌گن فارسی سره است سر یعنی خالص، ناب، یعنی ما زبانی را باید به کار ببریم که واژه‌هایش واژه‌های خالص و ناب فارسی باشند و ما می‌گوییم بله اصل بر این است که واژه‌های ناب و خالص فارسی را به کار ببریم اما وقتی که قرار باشد زبان برای تفاهم باشد برای فهمیدن و فهماندن باشد. وقتی می‌گوییم آفنداک کسی متوجه نمی‌شود طبیعتاً با این که واژه‌اش فارسی است کنار می‌گذاریم می‌رویم سراغ یک معادل فارسی رایج‌تری یا از این قبیل، پس با توجه به این نکته گفتیم پس واژه عربی باشد انگلیسی باشد. الان ما عده‌ای در کشور داریم که به این می‌گویند سره‌نویس. این‌ها معتقدند که ما کامل باید واژه‌های فارسی داشته باشیم به همین خاطر کلمه تلفن که یک واژه خارجی است معادل آن را گذاشته‌اند «سره‌نویس‌ها و سره‌گوها» اسم آن را گذاشتند دورگو یعنی از دور با کسی شما گفتگو می‌کنید. پس بر استفاده از کلمات رایج فارسی است. اگر این کلمه فارسی نامأنوس باشد بگذاریم کنار اشکالی ندارد و از واژه فارسی استفاده می‌کنیم، اما اون‌ها که باید دقت کنیم این است که دستور زبان غیر فارسی وارد زبان فارسی نشود، حالا این دستور زبان می‌خواهد عربی باشد می‌خواهد انگلیسی باشد می‌خواهد فرانسه باشد یا هر زبان دیگری. حالا می‌-

رویم سراغ مثال بعدی: صندوق پیشنهادات و انتقادات آیا اشکالی دارد یا ندارد؟ «الف و ت» نشانه جمع در دستور زبان عربی است. پس ما گفتیم که خیلی باید مواظب باشیم که دستور زبان غیر فارسی وارد زبان فارسی نشود. پس وقتی پیشنهاد کلمه فارسی است نباید با «الف و ت» که نشانه جمع در زبان عربی است به کار برود و به جای پیشنهادات می‌نویسیم پیشنهادها. بعضی از کلمات هر دو تا نشانه جمع را گرفتند. درخت [درخت‌ها- درختان] اما پیشنهادات در زبان فارسی بر اثر استعمال فقط نشانه جمع‌ها را گرفته است. می‌رویم سراغ انتقادات اشکال دارد یا ندارد؟ ادبیات عربی خود را تقویت کنیم، انتقاد کلمه نقد به باب افتعال رفته و شده انتقاد پس کلمه عربی است و اشکالی ندارد که با «الف و ت» جمع شود پس غلط نیست، پیشنهادات غلط بود اما دومی غلط نیست. اما با این‌که غلط نیست می‌گیم بهتر است واژه‌های عربی را با نشانه جمع فارسی به کار ببریم به جای انتقادات بگوییم، انتقادها، آهنگش هم قشنگ‌تر می‌شود. صندوق پیشنهادها و انتقادها. اگر بنویسیم صندوق پیشنهادات و انتقادات اشکالی ندارد ولی به خاطر زیبایی مثل رَبِّ الزَّهْرَا که گفتیم هم علیه‌السلام درست است هم سلام‌علیه اما سلام‌علیه زیباتر بود. اینجا می‌گوییم که انتقادات غلط نیست اما به خاطر زیبایی و سجع بهتره بنویسیم صندوق پیشنهادها و انتقادها. الان بگویید که یا ابا صالح المهدی درست است یا ابا صالح المهدی، با فتحه یا کسره. داریم کارگاهی انجام می‌دهیم می‌خواهیم بگوییم که نوشتن به معنای عام که می‌شود نگارش یک سری قواعد است که این قواعد را یاد بگیریم و بعد به کار ببریم ما هم می‌شویم نگارنده و نیاز به ذوق و استعداد ندارد. الان ما یاد گرفتیم که «الف و ت» نشانه جمع در زبان عربی است و نباید با کلمات فارسی به کار رود و شما هر جا دیگر کلمه فارسی دیدید نباید با «الف و ت» جمع ببندیم. رزمایشات سپاه هفته آینده برگزار می‌شود. رزمایش در فارسی دیگر «الف و ت» نمی‌گیرد و مثال در این زمینه زیاد داریم.

یا ابا صالح المهدی غلط است.

یا ابا صالح المهدی غلط است، از آن غلط‌های مشهور است. با تمام احترامی که برای علماء قائل هستیم گاهی وقت‌ها بعضی از علما هم غلط استفاده می‌کنند.

چرا غلط است؟ «أبا» به صالح اضافه شده، کل مضاف‌الیه مجهول پس صالح می‌شود یا ابا صالح المهدی. شما کاری به المهدی نداشته باشید. اگر صالح تنها بود چه می‌خواندید صالح مضاف‌الیه برای أبا. یا أبا صالح المهدی. اونی که اشتباه انداخته خیلیا فکر کردن صالح دوباره آمده اضافه شده به المهدی و چون که اضافه شده در حالت اضافه فتحه آن می‌افتد پس فتحه که قطعاً غلط است اونی که می‌تواند درست باشد این که أبا صالح برای أبا صالح تنوین می‌گیرد.

بعضی‌ها فکر کردن دوباره اضافه شده به المهدی در حالت اضافه باید تنوین بیافتد و ما بگوییم صالح المهدی در حالی که صالح به المهدی اضافه نشده، المهدی را یا عطف‌بیان می‌توانیم بگیریم و تنوین نمی‌افتد و ما به این صورت باید بنویسیم: یا أبا صالح المهدی، لام المهدی هم ساکن دارد وقتی دو ساکن کنار هم قرار می‌گیرند باید ساکن اولی را تبدیل به کسره کنیم یعنی با تنوین آن باشد. یا حتی ممکن است بگوییم مهدی صفت است برای أبا صالح، کسی که هدایت شده است. احیاناً ممکن است بعضی‌ها بگویند اینجا اسم مفعول است که به معنای اسم فاعل است. کسی که هدایت‌کننده است. حالا یادداشت کنید.

مفاتیح الجنان

مفاتیح الجنان

مفاتیح الجنان

گفتگو کنید کدام آن درست است؟

کارگاه نگارش علمی «استاد عبدالرحیم موگهی» جلسه دوم

خلاصه‌ای از جلسه قبل عرض کنیم، در ابتدا گفتیم که نویسنده موفق کسی است که نگاهی عمیق و دقیق داشته باشد و شاید احیاناً در بعضی از پیامک‌ها این جمله نویسنده معروف فرانسوی را دیده باشید که می‌گوید «عظمت در نگاه توست، نه در آنچه به آن نگاه می‌کنی» از آندره ژید که برنده جایزه نوبل شدند و کتابی دارند به نام مائده-های زمینی که استاد جلال آل احمد و شخص دیگر آن را ترجمه کرده است. یکی از جمله‌هایی که در این کتاب مائده‌های زمینی آندره ژید است این است که «عظمت در نگاه توست نه در آنچه به آن نگاه می‌کنی» اگر بخواهیم نویسنده خوب، سخنران خوب و مدرس خوب باشیم، نگاهمان باید عمیق باشد و دقیق و متفاوت.

بعد آمدیم برای اینکه نویسندگی را تعریف کنیم طرح درسی گفتیم برای نویسندگی و عرض کردیم در دوره فشرده‌ای که خدمت شما هستیم خیلی از این عنوان‌ها را نمی‌توانیم بیان کنیم. ولی اولین عنوان خیلی مهم است این است که نویسندگی یعنی چه؟ و بعد انواع بیان را گفتیم، بیان شفاهی، بیان کتبی، اشاره‌ای و تصویری. بعد گفتیم نوشتن بر ۲ قسم است: عام و خاص، تفاوت عام و خاص یکی در زبان و یکی در هدف، زبان در نگارش عادی است. بعد گفتیم که نوشتن عام را می‌گویند نگارش و کسی که در کار نگارش است می‌گویند نگارنده. نوشتن به معنای خاص زبان هنری بود هدف زیبایی آفرینی و کسی که این کار را انجام می‌دهد به آن می‌گویند نویسنده و آن کار می‌شود نویسندگی و نکته مهم این است که در نگارش و نگارندگی اصلاً نیازی به ذوق و استعداد نیست.

چرا؟ چون یک سری قواعد است این‌ها را یاد می‌گیریم و به کار می‌گیریم. آیا می‌توانیم بگوییم که ایشان خانوادتاً، خانواده خوبی است؟ یا «میشه امشب لطفاً تلفناً به من خبر دهید که استاد فردا می‌آید یا نه».

تنوین مخصوص کلمات عربی است، کلمه غیر عربی چه فارسی باشد چه انگلیسی باشد تنوین نمی‌گیرد. خانواده فارسی است نباید بگوییم ایشان خانوادتاً خوب است. پس این هم راجع به نگارش که نیازی به ذوق و استعداد

ندارد.

می‌رویم سراغ نویسندگی، در نویسندگی اختلاف است. بعضی‌ها معتقدند نیاز به ذوق و استعداد دارد. اما شاید برای شما جالب باشد که ما یک استاد در مرکز آموزشی خود داشتیم که فلسفه هنر تدریس می‌کند ایشان می‌فرمایند جامعه‌شناسان بعضی‌هایشان معتقدند که اصلاً ذوق و استعداد هیچ دخالتی در کارها ندارد. آنچه مهم است علاقه، پشتکار و آموزش است.

اگر بخواهیم بگوییم، می‌گوییم خیره‌کننده، نویسندگی نیاز به ذوق و استعداد دارد.

آنچه ما دنبال آن هستیم و باید باشیم این است که مهارت نگارش علمی است. در نگارش علمی مهم‌ترین نکته این است که درست بنویسیم، غلط‌آملائی نداشته باشیم. می‌شود گفت خیلی زشت است که طلبه‌ای بعد از ماه مبارک رمضان آمده گزارش تبلیغی نوشته که مثلاً من در ماه مبارک رمضان ۲۵ تا نماز جماعت ظهر و عصر به‌جا آوردم، اما نماز ظهر را با «رِز» نوشته طلبه. این است که ما در نگارش باید قواعد را یاد بگیریم. نسبت به واژگان حساس باشیم و درست بنویسیم. در نگارش علمی آنچه مهم است این است که مقاله، پایان‌نامه، کتاب و جزوه شما درست باشد، غلط‌آملائی نداشته باشد. اگر زیبا بنویسیم خیلی خوب است ولی اگر زیبا بنویسیم به شما قول می‌دهم بتوانید یک مقاله علمی بنویسید یا کتاب علمی بنویسید که در مجلات معتبر هم چاپ شود ولی اگر درست بنویسیم یعنی آن نگارش را درست انجام دهیم، قواعد را خوب یاد بگیریم. پس از همین جا به شما می‌توانم با کمال قاطعیت عرض کنم همه شما نگارنده خواهید شد چرا؟ مثل یک قواعد، شما یاد می‌گیرید و بعد به کار می‌گیرید.

ثالث طلابی موفقیت در هر فن و مهارت:

۱. مطالعه

۲. آموزش

۳. تمرین

می‌خواهیم نویسنده خوبی شویم، مطالعه، آموزش، تمرین لازم است. گاهی وقت‌ها بعضی از عناوین به خاطر اینکه در ذهن بماند حرف‌های اولش را کنار هم می‌گذارند مثل سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی) اگر ما در

نویسندگی مثلث طلایی را رعایت کنیم قطعاً نویسنده خوبی خواهیم شد. حتی اگر شما در آینده بخواهید مقاله علمی بنویسید اگر از قلم عربی استفاده کنید ویراستار آن مجله یا دایره‌المعارف دور قلم شما خط خواهد کشید. مثال: شما در یک نگارش علمی، یک مقاله علمی یا کتاب علمی باید بنویسید حضرت امام خمینی در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ درگذشت هیچ اشکالی هم ندارد. حالا از زبان هنری استفاده کنید دور قلم شما خط می‌کشند بدانید که حضرت امام خمینی مرغ روحش در ۱۴ خرداد سال ۱۳۶۸ به ملکوت اعلی پیوست.

انواع نوشتن از نظر نثر و زبان

۱. علمی

۲. ادبی

۳. عامیانه

در زبان علمی، در نگارش علمی هدف پیام‌رسانی است به اضافه زبان عادی اما درست مقاله بنویسیم کتاب علمی را بنویسیم.

در نگارش ادبی ما از زیبایی آفرینی زیاد استفاده می‌کنیم مثلاً اگر علاقه دارید به نثر عربی به شما پیشنهاد می‌کنم اگر مطالعه نکردید حتماً کتاب کشتی بحر نوشته استاد سید مهدی شجاعی را مطالعه بفرمایید. به خاطر اینکه از زبان ادبی استفاده کرده و تأثیرگذاری آن هم بیشتر شده و هدف آن هم این بود که با یک زبان ادبی بنویسد. زبان سوم: زبان عامیانه (کوچه بازار) مثلاً به جای اینکه بگوییم بروم تهران این می‌شود زبان عامیانه که یک مقدار زبان شکسته است، زبان محاوره است و معمولاً در داستان استفاده می‌کنند پس ما الان در زبان علمی می‌توانیم یک مقاله علمی، یک کتاب علمی بنویسیم که مورد قبول مطبوعات قرار بگیرد. ما در مقالات علمی، نویسندگی را هم تعریف کردیم حالا می‌خواهیم یک تعریف جدیدتری و زیباتری از نویسندگی کنیم و آرام آرام وارد عناوینی شویم که به ما گفتند برای شما بیان کنیم. پس تعریف دیگری از نویسندگی داریم. قبل از اینکه این تعریف را بیان کنیم ما باید ابعاد نوشتن را بگوییم:

ابعاد نوشتن:

۱. درونی: محتوا، پیام، معانی (content)

۲. بیرونی: قالب، بیان، الفاظ (form)

این بعد درونی می‌شود محتوا، پیام، معانی

بعد بیرونی می‌شود قالب، بیان، الفاظ

سؤال: در نوشته‌هایمان از واژه خارجی استفاده می‌کنیم؟ اصل بر این است که فارسی بنویسیم، فارسی صحبت کنیم، احیاناً واژه غیر فارسی وارد زبان شد و ما معادل رایج و مأنوس نداشتیم اشکالی ندارد. خواهشی که از شما دارم این است که واژه انگلیسی را یاد بگیریم، درست یاد بگیریم و بعد به موقع و درست به کار ببریم. اما حواسمان باشد که انگلیسی زده نشویم و بخواهیم با این واژه انگلیسی کلاس بگذاریم. می‌توانید یک جمله را در بعد درونی و بیرونی مثال بزنید؟

سعدی می‌گوید اگر می‌خواهید گفتار و رفتار ما معرف شخصیت شما باشد نیازی نیست همه جا تعریف خود را بکنید، گفتار و رفتار شما معرف شما خواهد بود و می‌گوید مشک آن است که خود ببوید نه آن که عطار بگوید. الان سعدی یک محتوا داشت، پیام داشت، معنا داشت. که اگر می‌خواهید شما رو بشناسند نیاز نیست که داد و بیداد کنید با گفتار و رفتار تون شخصیت خودتان را می‌توانید معرفی کنید. آن محتوا را در یک الفاظ زیبا گنجانده است. و سلمان هراتی شاعر شمالی با الگو برداری از سعدی یک جمله‌ای را گفته به شما باید به عنوان یک کارگاهی واژه آن را پیدا کنید. بهار آن است که خود ببوید، نه آن که ببوید. آیا می‌توانید این جای خالی را پر کنید. به جای سه نقطه یک کلمه باید بگذاریم، سعدی آنجا عطار گذاشته. این جا متناسب با بهار جمله بگویید. جوابش نه آن تقویم بگوید. سلمان هراتی هم یک محتوا در ذهنش بود شبیه همان پیام و محتوا که در ذهن سعدی بود با الگو برداری از سعدی یک جمله مشابه ساخته و زیبا هم است مثال بعدی: خیلی‌ها راجع به شب قدر و اهمیت آن صحبت کردند اما سعدی جمله‌ای گفته است. محتوا و پیامش اهمیت شب قدر است. اما آمده آن را در الفاظ زیبا گنجانده است. اگر شب‌ها همه قدر بودی شب قدر بی‌قدر بودی. می‌گویند شب قدر در کل سال یک شب است، اگر قرار باشد همه شب‌ها شب قدر باشد دیگر ارزشی نداشت. پس سعدی یک محتوایی داشت ارزش و اهمیت شب قدر را در قالب یک سری الفاظ قرار داد و بیانش را زیبا کرد. مثال سوم: می‌خواهیم ابعاد نوشته را

تغییر دهیم. سعدی «آنچه زود برآید، دیر نپاید» پیام و محتوای آن چیست؟ اگر بخواهید یک کاری را سریع انجام دهید «یک قانونی بعضی‌ها دارند، قانون ماس‌مالی» که از این قانون استفاده نکنید. پس سعدی از دو آرایه ادبی و صنعتی استفاده کرد در حقیقت می‌توان گفت ۳ تا. بین زود و دیر کلمه تضاد وجود دارد.

ما یکی از آرایه‌های ادبی که داریم صنعت تضاد است که اگر به کار رود تأثیرگذار خواهد بود یک صنعت دیگر به کار رفته برآید و نپاید سجع به کار رفته است که به بحث آن می‌پردازیم کوتاه نویسی است. حالا می‌خواهیم تعریف دیگری از نویسندگی بیان کنیم: نویسندگی عبارت است از، نگارش پیامی گیرا با بیانی شیوا، اگر پیام گیرا باشد و الفاظ هم زیبا باشد شک نکنید بهترین مقاله و بهترین کتاب را می‌توانید بنویسید. سؤال: عوامل گیرایی پیام و عوامل شیوایی پیام چیست؟

عوامل گیرایی پیام:

۱. درست بودن

۲. نو بودن

۳. منطقی بودن

۴. کاربردی بودن

عوامل شیوایی بیان:

۱. درست بودن

۲. ساده بودن

۳. گویا بودن

۴. کوتاه بودن

دو سؤال مهم در نویسندگی:

یک: چه باید نوشت

دو: چگونه باید نوشت

اولی می‌شود (محتواشناسی) دومی می‌شود (روش‌شناسی)

سؤال اول مربوط می‌شود به گیرایی پیام

سؤال دوم مربوط می‌شود به شیوایی بیان

ما اگر دنبال این دو سؤال برویم، با مثلث طلایی که می‌شد آموزش، تمرین، مهارت حالا عوامل گیرایی پیام را می‌خواهیم بیان کنیم: محتوایی که ما در مقالات علمی، مهارت علمی، کتاب علمی، نگارش علمی داریم، این محتوا باید درست باشد. حالا بگویید درست بودن محتوا یعنی چه؟

شما در یک مقاله علمی، در یک محتوای علمی، در یک جزوه علمی، مطالبی را که به مخاطب ارائه می‌دهید این محتوا باید درست باشد از نظر دینی یا از نظر علمی و عقلی. مثال: خرمشهر را خدا آزاد کرد. این جمله از حضرت امام نیست این جمله از شهید احمد کاظمی است. انقلاب ما انفجار نور بود از کیست؟ می‌خواهیم بگوییم محتوایی که ارائه می‌کنیم باید درست باشد. ولی گاهی وقت‌ها متن به اصطلاح طلبه‌ها باید درست باشد، گاهی وقت‌ها سند باید درست باشد حالا می‌خواهیم بگوییم این جمله «انقلاب ما انفجار نور بود» از کیست؟ این جمله از یاسر عرفات است، یاسر عرفات اوایل انقلاب آمدن ایران و خدمت امام رفتند که یاسر عرفات به امام عرض می‌کنند که دشمنان انقلاب اسلامی ایران می‌گویند زلزله‌ای در منطقه رخ داده است ولی ما می‌گوییم انفجار نور رخ داده است. (صحیفه امام، جلد ۶، صفحه ۱۸۱) پس در قسمت سند باید دقت کنیم آن محتوایی که ما ارائه می‌دهیم باید درست باشد.

مثال بعدی: جمله «کل یوم عاشورا و کل عرضِ کربلا» از کدام امام است؟

بعضی سخنان مشکلی در محتوا ندارند ما می‌خواهیم بگوییم «کل یوم عاشورا و کل عرضِ کربلا» از امام صادق (ع) است، نه از امام حسین (ع) مال یک شاعر عرب است. اگر علاقه دارید به مقتل، روضه‌خوانی و زندگی امام حسین (ع)، دو کتاب تحلیلی است که این دو کتاب را مطالعه بفرمایید. شهادت‌نامه امام حسین (ع) از حاج آقا ری‌شهری و یکی از همکارانشان. بسیار کتاب خوبی است. که در آن اشاره کردند که این جمله از یک شاعر عرب است. کتاب دیگری از مهدی پیشوایی و ۱۰ نفر دیگر که راجع به امام حسین نوشتند عنوان آن تاریخ جامع مقتل امام حسین (ع) است. نکته‌ها و تجربه‌ها را یادداشت کنید. حتماً به حضرت علامه گوگل دامت إفاضات مراجعه

بفرمایید. اما به آن اعتماد کنید. این که توجه داشته باشیم اگر می‌خواهیم مقاله علمی بنویسیم حتماً به منبع معتبر مراجعه کنیم.

جمله: زندگی چیزی نیست جز عقیده و جهاد در راه عقیده ایام محرم و صفر بنر می‌زنند از امام حسین(ع) اما از امام حسین(ع) نیست. مثال می‌زنیم که محتوا باید درست باشد یک شعر عربی است: قِفْ دُونَ رَأْيِكَ فِي الْحَيَوَةِ مُجَاهِدًا إِنَّ الْحَيَوَةَ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ. شاعر شیخ محسن أبو الحَبِّ الحُويزِي ترجمه آن می‌شود: «توقف کن و پایداری کن در راه اندیشه و آرمانت در زندگی خودت و برای آن جهاد کن.» زیرا زندگی چیزی نیست جز عقیده و جهاد در راه عقیده. شهید مطهری می‌فرماید اینجا هم از لحاظ متن و هم از لحاظ سند چون اولاً از امام حسین نیست. شهید مطهری یک نکته محتوایی می‌فرماید آیا حیات و زندگی طیبه در راه هر عقیده‌ای درست می‌باشد؟ حتی عقیده داعش؟ و می‌فرماید حیات واقعی فقط در سایه اسلام است و جهاد در راه آن عقیده درست است. و شهید مطهری ۲ جا از کتاب‌های خود آن را نقد می‌کند از جهت محتوایی، هم سند نادرست است هم محتوا. پس ما مثال زدیم در نگارش علمی اگر بخواهیم پیام ما محتوای ما جذاب باشد باید آن محتوایی را که ارائه می‌کنیم درست باشد. سؤال: ۳ سال پیش تصویری در فضای مجازی پخش شد که مقام معظم رهبری در اربعین پیاده‌روی حضور دارند. شما علت این کار را بیان بفرمائید.

کارگاه نگارش علمی «استاد عبدالرحیم موکھی» جلسه ۳

دومین عامل گیرایی پیام نو بودن بود. تکراری نباشد گاهی وقت‌ها ممکن است شما سخنرانی که در تلویزیون گوش می‌دهید کانال را عوض کنید چرا، چون تکرار است. کلیشه‌ای است و مطالبی نو برای شما نداشته باشد. فسانه شد و کهن شد حدیث اسکندر، سخن نو را حلاوتی ست دگر. اگر ما بخواهیم کلیشه‌ای صحبت کنیم و تکراری صحبت کنیم چه در سخنرانی چه در نویسندگی حرفی برای گفتن نداشته باشیم و آنچه باید گفت نویسنده باید حرفی برای گفتن داشته باشد. وقتی ما تدریس می‌کنیم تا سخنرانی می‌کنیم یا قلم به دست می‌گیریم در ذهن ما این است که مخاطب ما این مطلب را نمی‌داند و این برایش جدید هست، نو هست.

اگر نو نیست یا جدید نیست نباید قلم به دست بگیریم. اما متأسفانه بعضی از سخنرانهای ما حرف نو و جدیدی برای گفتن ندارند. ما باید گلچین کنیم که چه مطالبی را برای مخاطب بگوییم که نو باشد. ما در نوشتن و نگارش علمی اگر حرفی برای گفتن نداشته باشیم شک نکنید مقاله شما را بر می‌گردانند. اگر انتشارات، انتشارات معتبری باشد کتاب شما را چاپ نخواهد کرد. یکی از کارهایی که ما باید بکنیم این است که نو بودن. مثال: دیل کارنگی ۳ تا از کتابهایش ترجمه شده، آیین زندگی، آیین سخنرانی و آیین دوست‌یابی. دوست‌یابی به معنای روابط عمومی. مثلاً در آیین زندگی گفته اگر کاری کسی انجام دادید انتظار تشکر نداشته باشید. اگر می‌خواهید سخنرانی شما جذاب باشد مقاله شما جذاب باشد برای قواعد کلی مثال بیاورید. حضرت آیت‌الله جوادی آملی فرمودند: تا وقتی که ما فقط کلی‌گویی می‌کنیم خیلی انتظار تأثیرگذاری نداشته باشیم و ایشان می‌فرمایند سعی کنید برای قواعد کلی مثال بزنید. یکی از عوامل گیرایی پیام نو بودن است. می‌توانید مثال بزنید؟ خدمت آیت‌الله جوادی آملی بودیم می‌فرمایند آیه قرآن «هر کسی که حسنه‌ای را انجام دهد ده برابر به او می‌دهیم» مثال بعدی برای نو بودن پیام:

«مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيُتَصَّابْ لَهُ؛ هر کس نزد او کودکی باشد باید با او کودکی رفتار کند»

نکته‌ای اینجا هست اگر به جای «عِنْدَهُ» می‌گفت «لَهُ» ترجمه می‌شد هر کسی نزد او بچه‌ای باشد باید کودکانه رفتار کند. اما اگر به جای «عِنْدَهُ»، «لَهُ» باشد ترجمه می‌شد: هر کس کودکی برای او باشد مثال بعدی از استاد فاطمی‌نیا

گاهگاهی که حضرت فاطمه زهرا (س) می آمدند خدمت پیامبر، پیامبر فقام إِلَیْهَا اگر فقام لها بود پیامبر باید بلند می شدند اما فقام إِلَیْهَا.

حضرت زهرا (س) که وارد می شدند چند قدمی به استقبال می رفتند.

اولین مقاله، اولین کتاب، اولین کلاس، اولین سخنرانی و ... باید از بهترین ها باشد. از بهترین مقالات باید مقاله اول شما باشد چون مخاطب و خواننده قضاوت می کند. عامل سوم برای گیرایی پیام منطقی بودن است.

از خرافات و خرافات نویسی شدیداً پرهیز کنید. وقتی می گوئیم منطقی باشد باید با منطق اسلام، با منطق عقل و علم این مقاله ما هماهنگ باشد و مطابقت داشته باشد.

تا آخر عمر طلبگی ما این رفتار پیامبر در ذهن ما باشد. پیامبر پسری داشتند به نام ابراهیم که یک سال و نیم بود، از دنیا رفتند خورشید گرفت و مردم گفتند: این خورشید گرفتگی به خاطر مرگ ابراهیم پسر پیامبر است. بعد این را در نظر بگیرید در آن زمان پیامبر خواستند اسلام را ترویج کنند مسلمانان را زیاد کنند. پیامبر مردم را در مسجد جمع کردند و گفتند این خورشید و ماه دو نشانه الهی از طرف خداوند است و خورشید گرفتگی هیچ ربطی به مرگ فرزند ندارد. دست از این خرافات بردارید. پس ما باید مقاله علمی که می نویسیم پشت سر آن منطق باشد. شما فکر می کنید کتاب شهید مطهری بی غلط چاپ شد یک علت آن فرمایشات حضرت امام بود اما یک علت دیگر آن منطق و استدلالی که در لابلای این کتاب است که علامه طباطبایی بعد از شهادت شهید مطهری می فرمایند: شهید مطهری وقتی سر درس ما می آمد به رقص می آمدم و می دانستم چیزی که به او یاد می دهم هدر نمی رود به خاطر منطق و استدلال. پس سومین عامل گیرایی پیام منطقی بودن است.

عامل چهارم پیام: آخرین عامل پیام کاربردی بودن است. هدف از نویسندگی ما چیست؟ هدف از تبلیغ ما چیست؟ که بتوانیم یک نیاز از مخاطب خود را برآورده کنیم. حالا این نیاز می خواهد علمی باشد، سیاسی باشد، عقیدتی باشد یا قرآنی، فرقی نمی کند. حالا چه وقت ما می توانیم آن نیاز را برآورده کنیم؟ آن نیاز باید در زندگی کاربرد داشته باشد. اگر من حرفی بزنم که اصلاً به درد کسی نخورد که فایده ای ندارد. مثال: یک زمانی مسابقات

احکام در کشور خیلی رونق داشت و آن موقع به نفر اول پیکان جایزه می دادند. بیست تا سؤال بود برای کل کشور که تستی هم بود. یکی از سؤالات این بود نماز خواندن بر بام کعبه چه حکمی دارد؟ واجب، مستحب، مکروه، مشکل این سؤال چیست؟ بر بام کعبه کسی را نمی گذارند نماز بخواند، فرض که بگذارند این چه دردی از مردم دوا می کند. مثال بعدی: در تلویزیون آقای احکام می گفت. می خواهد احکام سجده را بگوید می گوید اگر کسی شصت پانداشته باشد حکم سجده او چه می شود؟ این هم مسئله ما در احکام سجده داریم، چرا آنها را نمی گویند. پس وقتی ما می خواهیم احکام بنویسیم مطلب بنویسیم، مطالبی را بنویسیم که کاربردی و مورد اطلاع باشد و مفید باشد و مستند باشد.

کارگاه آموزش ویرایش «استاد عبدالرحیم موگهی»

کارگاه آموزش ویرایش «استاد عبدالرحیم موکھی» جلسه ۱

قبل از اینکه ما بحث ویرایش را بگوییم یک طرح کلی از آن را بیان می‌کنیم.

علوم به ۱۰ بخش تقسیم شده که یکی از این بخش‌ها ادبیات است که خود ادبیات شاخه‌های مختلفی دارد که یکی لغت است. یکی دستور زبان است یکی عروض است. یکی هم قافیه است یکی هم که قبلاً از آن تعبیر می‌کردند به انشاء و دبیری در دربارهای گذشته افرادی بودند به نام منشی و دبیر که کار نوشتن بر عهده آنها بود که امروزه همان منشی و دبیر می‌شود نویسندگی پس اینها شاخه مختلف ادبیات هستند که در خود آنها ادبیات یکی از آن بخش‌ها و تقسیم‌بندی‌ها است. مراحل نویسندگی طبق یک تقسیم‌بندی:

۱. پژوهش

۲. نگارش

۳. ویرایش

پس در ابتدا جایگاه ویرایش برای ما مشخص شد که مرحله سوم از مراحل نویسندگی است. خود دبیری، نویسندگی، انشاء یکی از شاخه‌های علمی رشته ادبیات است. و خود ادبیات هم یکی از رشته‌های ده‌گانه طبق تقسیم‌بندی است.

در زمینه ویرایش ما دو مبحث داریم یک مبحث نظری داریم یک مبحث عملی شیوه ما هم در آموزش ویرایش این است که هم به مباحث نظری می‌پردازیم هم به مباحث عملی و کارگاهی. در مباحث نظری ویرایش عناوین مختلفی داریم.

تعریف ویرایش، هدف از ویرایش چه بوده است، پیشینه آن چه بوده است، و چه عواملی باعث می‌شود ما در ویرایش موفق شویم. انواع ویرایش چه است؟ ویرایش محتوایی. در مباحث عملی ویرایش یک مبحث، مبحث درست‌نویسی است. ساده نویسی است، کوتاه نویسی است، نشانه نویسی است که همان علائم سجاوندی است. ارجاع نویسی است که ما پاورقی‌ها را به چه صورت باید بنویسیم. که در روش تحقیق هم الان مطرح است. منبع

نویسی است که منبع را به چه صورت باید بنویسیم هر منبعی در پاورقی، در فهرست منابع چه اعضایی دارد. نام کتاب باید مقدم شود یا نام نویسنده این‌ها مباحثی است که ما در بخش عملی و کارگاهی ویرایش داریم. و بحث عمده‌ای که ما می‌خواهیم بیشتر مباحث درست‌نویسی است.

که اگر ما درست بنویسیم، مقاله، نوشته، ما مقبول خواهد بود. اولین چیزی که ما می‌خواهیم در مباحث نظری عرض کنیم تعریف ویرایش است. اصلاً ویرایش یعنی چه؟ کلاً ویرایش پیشینه‌ای حدود ۷۰ سال در ایران دارد که از طریق ترجمه کتاب‌های غیر ایرانی، مترجمان ما ویرایش را اعمال می‌کردند. و همچنین پیشینه دیرینه‌ای ندارد. در زمینه ویرایش ما یک ابعاد نوشته داریم: هر نوشته دو بعد دارد، بعد اول محتوا. بعد دوم صورت، بیان و لفظ. هر نوشته‌ای بعد درونی، یک لایه درونی دارد که همان معنا و محتوا است. یک بعد و لایه بیرونی دارد که ما محتوای مورد نظر خود را با آن بیان می‌کنیم. مثلاً سعدی می‌گوید: معرف شخصیت هر کسی گفتار و رفتار او است. این محتوا و این جمله مشهور را با این بیان کرده که مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید. ویرایش چیست؟ ویرایش یک اصلاح نوشته است از نظر محتوایی یا صوری یا هر دو. که معمولاً این ویرایش‌ها که در کلاس تدریس می‌شود صوری است. در ویرایش محتوا کسی که می‌خواهد کتاب تاریخ، کتاب روانشناسی، کتاب قرآن را ویرایش محتوایی و علمی کند، قطعاً باید مسلط و کارشناس در آن رشته باشد. ویراستار محتوایی کاری به نظم ندارد که آیا نقطه ویرگول آن چه طوری است، آیا سر هم نوشته، آیا جدا نوشته، جملات کوتاه یا بلند است. فقط می‌خواهد ببیند آیا از جهت علمی، منطقی و استدلالی نویسنده حرف‌هایی که زده درست است یا نه. نقل - قول‌هایی که کرده، منابعی که استفاده کرده منابع معتبر و دسته اول هستند، منابع دست چندم هستند. اما ویرایش صوری که تعبیر مختلفی کردن ویرایش لفظی گفتند یا ویرایش زبانی کاری به این تقسیم‌بندی‌ها نداریم.

از ویرایش صوری و لفظی از نقطه ویرگول آن تا مباحث کوتاه نویسی، ساده‌نویسی که متأسفانه در کلاس ویرایش غالباً به این نقطه ویرگول‌ها می‌پردازند. مثال: امام امت اسلام را زنده کرد. اگر بعد از امام امت ویرگول ویرگول بگذاریم یک معنا می‌دهد. اگر بعد از امام ویرگول بگذاریم یک معنا می‌دهد. گاهی وقت‌ها نوشته از لحاظ نقطه، ویرگول مشکلی ندارد اما از لحاظ معنا مشکل دارد. مثل: زهرا به خواهرش گفت که مقاله‌اش چاپ شده است. الان

کلمات هیچ اشکالی از لحاظ لفظ ندارند کاملاً ساده هستند ولی مشکل این است که ابهام دارد که مقاله زهرا چاپ شده یا مقاله خواهرش.

این ضمیری که ایجاد شده است کار را برای ما مشکل کرده است. این که زهرا مقاله اش چاپ شده است یا خواهرش. پس گاهی وقت ها کلمات واقعاً ساده هستند. نقطه ویرگول آن هم رعایت شده است. باید اهمیت نشانه- گذاری را توجه داشته باشیم، یک مقدار نگاهمان را نسبت به ویرایش بالاتر ببریم که اگر جمله طولانی است کوتاهش کنیم یا جمله مشکل است ساده اش کنیم مثلاً در نامه های اداری این مشکل را داریم که جمله ها خیلی طولانی هستند. حالا برویم سراغ ویرایش صوری. من در زمینه نشانه های سجاوندی ۲ کتاب معرفی می کنم که این کتاب ها از نشانه های سجاوندی خوب و با جزئیاتی در آن است. یکی کتاب راهنمای ویرایش از دکتر غلامحسین غلام حسین زاده. دیگری دانش نشانه گذاری از دکتر ناصر نیکویخت. و کتاب دیگر راهنمای نگارش و ویرایش از دکتر یاحقی و دکتر ناصر که جزء اولین کتابهایی بود که ویرایش را به صورت کتاب و فرمولی در آوردند که از جهات نشانه گذاری و مطالب دیگر ویرایشی خوب است.

آن چیزی که معمولاً در ویرایش ها به آن توجه نمی کنند این است که عبارت ها درست و ساده باشد و قابل فهم باشد و یکی از بحث هایی که داریم این است که هدف از ویرایش چه بوده است؟ ویرایش صوری آمد کاری کند که متن و نوشته خواندنی تر و در نتیجه فهمیدنی تر بشود. مثال: آمریکا از تیم ایران باخت. یک اشکال این جمله دارد. در زبان فارسی بعضی از افعال حرف اضافه مخصوص به خود می گیرند باختن در زبان فارسی حرف اضافه- اش «ب» است آن نیست.

مثال دوم: گاليله از سوی کلیسا مورد تکفیر قرار گرفت. این جمله از جهت دستور زبان فارسی مشکل دارد چرا؟ ما یکی از چیزهایی که در ویرایش و نوشتن داریم این است که باید جمله ها را تا آنجا که امکان دارد کوتاه کنیم. مورد تکفیر قرار گرفت ۴ جمله است اما تکفیر شد یک جمله است. اما یک کار دیگر در رابطه با این جمله باید انجام دهیم و خیلی مهم است همانطور که در ادبیات عرب خواندیم وقتی فاعل معلوم باشد، فعل معلوم، وقتی فاعل مجهول باشد فعل مجهول است. این جا تکفیر شد در زبان فارسی فعل مجهول است با اینکه فاعل مشخص

است. پس جمله را باید جابه‌جا کنیم و به این صورت ساده و روان بنویسیم. گالیله را تکفیر کرد. وقتی فاعل معلوم است فعل هم باید معلوم باشد. مثال سوم: شیخ اجتناب می‌کرد که او را نبینند.

یک مشکل نگارشی دارد که شیخ از چه چیزی اجتناب می‌کرد؟ از دیدار مردم خودداری می‌کرد دیدار می‌شود فعل مثبت با اینکه در پایان جمله فعل منفی آمده است.

باید بگوییم شیخ اجتناب می‌کرد که او را ببینند هرگاه در آغاز جمله‌ای افعال بازدارنده مانند اجتناب کردن، منع کردن، خودداری کردن به کار رفته باشد در پایان جمله فعل باید به صورت مثبت بیاید. به این افعال می‌گویند افعال بازدارنده.

آیا به جای اجتناب می‌کرد که کلمه عربی است معادل فارسی بگذاریم یا نه؟ و مبنا چیست در چنین مواردی؟ در زبان فارسی اصل مبنا این است که از واژه‌های فارسی استفاده کنیم به شرط اینکه رایج و مأنوس باشد. در زبان فارسی، واژگان باید خالص و ناب باشند.

کارگاه آموزش ویرایش «استاد عبدالرحیم موگهی» جلسه ۲

دومین عنوانی که در مباحث نظری ویرایش داریم اهمیت ویرایش است.

این حدیث حدیث زیبایی است در غُرَّرَ الْحِکْمِ که باز هم در جاهایی که اشتباه ترجمه می‌کنند همین حدیث است که در ویرایش محتوایی ما باید به آن دقت کنیم حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «إِذَا كَتَبْتَ كِتَابًا فَأَعِدْ فِيهِ النَّظَرَ قَبْلَ خْتَمِهِ فَإِنَّمَا تَخْتِمُ عَلَى عَقْلِكَ»^۱ (غررالحکم، حدیث ۴۱۵۸)

ترجمه آن می‌شود: وقتی نوشته‌ای را به قلم آوردی برگرد و دوباره بازنگری کن.

در بعضی از کتاب ترجمه کردند قبل از آنکه به پایان برسانی آن را. ختم را به معنای پایان گرفته‌اند در حالی که معنا نمی‌دهد که ترجمه درست آن می‌شود هم بازنگری کن و هم بازنگاری.

بازنگری می‌شود محتوایی بازنگاری می‌شود صوری و لفظی. یعنی برگرد و نگاه دکن که از نظر محتوا مشکلی ندارد. یک ویراستار علاوه بر اینکه باید نقطه ویرگول‌ها درست کند باید به جزئیات دقت کند و ویراستار باید ذوق سلیم داشته باشد اگر ذوق سلیم نداشته باشد کار دست ما می‌دهد. نمونه‌ای که می‌خواهیم بگوییم یکی شعر سعدی است که چند تا معنا می‌تواند داشته باشد. از در بخشندگی و بنده‌نوازی، مرغ هوارا نصیب ماهی دریا.

یکی از معنایش این است که خداوند از در بخشندگی و بنده‌نوازی هوا را نصیب مرغ کرد تا در هوا پرواز کند. برای ماهی هم دریا را. اما وجه دوم مرغ هوا را نصیب ماهی دریا که مرغ هوا می‌آید و یک ماهی را از دریا برمی‌دارد. به این مثال دقت کنید: در من صدای وجدان از صدای همه این استدلال‌هایی که دستاویز کسانی که چشم بسته اطاعت می‌کنند شده است بلندتر است. این جمله فقط یک جابجایی می‌خواهد و هیچ تغییری لازم ندارد.

اگر ۲ تا از این فعل‌ها را جابجا کنیم جمله زیباتر و مفهومی‌تر می‌شود.

در من صدای وجدان بلندتر است از صدای همه این استدلال‌هایی که دستاویز کسانی شده که چشم بسته اطاعت می‌کنند. هم در زبان فارسی هم در زبان عربی ما واژه‌هایی داریم که گاه اعراب‌های گوناگون می‌گیرند و معنای آن‌ها متفاوت می‌شود. در زبان فارسی چه بگوییم گواهی‌نامه چه بگوییم گواهی‌نامه هیچ فرقی ندارد.

^۱ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ش. ص ۴۹

و اما چیزی که خیلی مهم است و به صورت عملی و کارگاهی انجام می‌دهیم. هدف از ویرایش است که با توجه به انواع ویرایش که گفتیم ویرایش محتوایی و صوری.

در ویرایش محتوایی مقبول‌تر کردن نوشته و در ویرایش صوری مفهوم‌تر کردن نوشته است. در ویرایش محتوایی ویراستار محتوایی باید کاری کند که نوشته برای دانشجویان یا طلاب مقبول‌تر شود. این مقبولیت را ممکن است یک جایی ویراستار محتوایی بگوید که نویسنده پنج دلیل آوری اما یکی از دلیل‌های تو ضعیف است. باید حذف کنی. پس هدف ویراستار محتوایی این است که نوشته را از جهت محتوایی و کمال محتوایی مقبول‌تر کند حالا چیزی که ما با آن کار داریم این است که ویراستار هدفش در ویرایش صوری این است که نوشته را برای خواننده مفهومی‌تر کند، خواندنی‌تر کند.

راه‌های مفهومی‌کردن را به صورت کارگاهی می‌گوییم که انواع مختلفی دارد که در نویسندگی باید به آن دقت کنیم.

راه‌های مفهومی‌تر کردن نوشته:

۱. نوشتن املاء صحیح: گاهی وقت‌ها املاء می‌تواند نوشته ما را مفهومی‌تر کند. مثال: مسئول واحد ما از منسوبان

خود رئیس است که خوب هم رفتار می‌کند. کلمه منسوبان با ص درست است یا با س؟

اگر با س باشد یعنی از خویشاوندانش است. اگر با ص باشد غریبه است.

پس ممکن است دو صورت داشته باشد. پس ما اگر جای ویراستار باشیم باید ما قبل و ما بعد را نگاه کنیم. املاء

می‌تواند تأثیرگذار باشد در مفهوم نوشتن.

۲. گذاشتن نشانه‌های تلفظی و اعراب: پرسه ما حدود دو ساعت طول کشید. این کلمه چه خوانده می‌شود؟ پرسه

با ضمه مجلس ختم را می‌گویند و پرسه یعنی راه رفتن بیهوده. یک اعراب می‌تواند کلمه را تغییر دهد و معنایش را

مفهومی‌تر کند. راه چهارم در مفهومی‌تر کردن جمله جدا نوشتن کلمات است. در کتاب‌های درسی هم یک بحث

پیوسته‌نویسی است، یک بحث جدانویسی کلمات. گاهی وقت‌ها پیوسته‌نویس‌ها می‌گویند درست است ما پیوسته -

نویس هستیم اما در جایی پیوسته‌نویسی باعث می‌شود کلمه نامفهوم شود ما استثناء قائل شدیم. مثل: پیوسته‌نویس -

ها معتقدند کلمات مرکب باید پیوسته نوشته شود چرا؟ کتاب یک واحد معنایی و مستقل برای خودش است خانه هم یک واحد معنایی مستقل اما وقتی که با هم ترکیب شدند این دو واحد معنایی مستقل شدند یک واحد معنایی مستقل. پیوسته‌نویس‌ها می‌گویند کلمات مرکب باید پیوسته نوشته شوند، اما همین پیوسته‌نویس‌ها می‌گویند درست است ما می‌گوییم کلمات مرکب پیوسته درست است اما به شرط اینکه بدنام نشود. خواندنش برای خواننده سخت نشود اگر همچنین اتفاقی می‌خواهد بیافتد ما استثناء قائل می‌شویم مثل کلمه پس‌انداز در اینجا ما دیگر جدا نمی‌نویسیم درست است کلمه مرکب است.

مثال: اجناس و کالاهای مهم و اساسی قیمت‌گذاری شده از سوی دولت در شهرهای مختلف به قسمت‌های مختلف کاهش قیمت داشته است. این کلمات زیاد است و جمله نامفهوم شده است کلمات اضافی را حذف کنید هم جمله کوتاه شود هم معنا و محتوا را منتقل کنیم به خواننده.

در این جا اجناس داریم و کالا یکی عربی است یکی فارسی. وقتی ما دو کلمه مترادف داریم به آن بار معنایی دادند یکی از آن را باید حذف کنیم که به آن می‌گویند حشو قومی.

مثلاً: فردوسی خدایش رحمت کنا. رحمت کنا یک چیز اضافی است اما دعایی است. اما گاهی حشو قومی است مثل: سنگ حجرالاسود. اگر کالا که فارسی و رایج است باید از کالا استفاده کنیم و کلمات اضافه را حذف کنیم.

یکی از راه‌هایی که اگر ناچار شدیم کلمه را تکرار کنیم این است که یکی را فارسی بیاوریم یکی را عربی مثلاً صفیرا و ناچار شدیم در کلمه بعدی هم صفیرا و به کار ببریم. در زبان عربی ما کلماتی داریم که در پایانش همزه است و همزه تلفظ آن برای علما راحت است. اما در زبان فارسی گفتند تلفظ این همزه برای فارس‌ها سخت است. اما گاهی وقت‌ها باید کلمات را اضافه‌تر کنیم تا با معنا و مفهوم شود.

راه هفتم اضافه کردن کلمات است. مثال: زبان انگلیسی چندان مشکل نیست. این جمله چه مشکلی دارد؟ اگر منظور آموزش باشد باید کلمه یادگیری را اضافه کنیم اگر تدریس باشد آموزش دادن زبان انگلیسی باید اضافه شود. پس اینجا باید یک کلمه اضافه کنیم تا از حالت دو پهلویی در بیاید.

راه دوازدهم کلمات را باید گاهی اوقات تغییر دهیم: او با تَهْکَم پاسخ مرا داد. اگر با «ح» باشد به معنای خشونت است اما با «ه» کلمه جمله را نامفهوم کرده است.

تَهْکَم با «ه» یعنی تمسخر. ویراستار هر کجا شک کرد باید به منبع مراجعه کند.

خانه بزرگ خانه پدر

یک تفاوتی در بحث زبان فارسی و زبان عربی است. ما در زبان عربی می‌گوییم صفت و موصوف، مضاف و مضاف‌الیه. اما در زبان فارسی هم به صفت و موصوف هم به مضاف و مضاف‌الیه می‌گویند اضافه. اولی خانه بزرگ صفت و موصوف، دومی خانه پدری مضاف و مضاف‌الیه. به هر دو در زبان فارسی می‌گویند اضافه. اضافه در اینجا به معنای پیوند، ارتباط است. در جایی که آخر کلمات نباشد مثل مادرِ من. این حالت اضافه با کسره مشخص می‌شود که به آن می‌گویند کسره پیوند. اما در جایی که ها باشد این کسره اضافه تبدیل می‌شود به یاء بزرگ که به آن می‌گویند «ی میانجی» یا همان ی پیوند که واسطه شده نوشتار تا جایی که ممکن است باید به گفتار تبدیل شود که در زبان فارسی گفته‌اند اگر امکان دارد کلمات عربی را تبدیل کنید به کلمات فارسی. در واژه عربی و فارسی ما می‌گوییم قلب جمع آن می‌شود قلوب یا درب می‌شود دروب. جایی که خواننده ممکن است دچار اشتباه شود تشدید بگذارید مثلاً بِنَا یا بِنَا، مُسَلِّم یا مُسَلِّم. در جایی که کلمه با تشدید با بدون تشدید تفاوت معنایی پیدا می‌کند تشدید بگذارید تا خواننده دچار اشتباه نشود. دستور زبان در فارسی یک ریشه ماضی دارد یک ریشه مضارع که اصطلاحاً به آن می‌گویند بن ماضی و مضارع.

ساخت + و + ساز = ساخت و ساز پخت + و + پز = پخت و پز

گفت + و + گو جست + و + جو شست + و + شو

به چه دلیل این کلمات را سرهم می‌نویسیم در حالی که غلط است و باید جدا بنویسیم آیا خواننده دچار اشتباه می‌شود؟ قانون تا آنجا که امکان دارد استثناء نباید بخورد اگر می‌خواهید استثناء بخورد باید دلیل داشته باشیم.

***** ***** *****

کارگاه آموزش ویرایش «استاد عبدالرحیم موگهی» جلسه ۳

گام بعدی برای مفهوم‌تر کردن نوشته در ویرایش صوری این است که فارسی کردن جملات است. فارسی کردن جملات یکی از راه‌هایی است که جمله را برای خواننده مفهومی‌تر می‌کند. این فارسی کردن ممکن است فارسی سَره باشد نامفهوم شود. ممکن است عربی باشد نامفهوم شود یا انگلیسی باشد. مثال: این کتاب بازگشتنامه برای رایمندان و نگرمندان سودمند است. آقای دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی کتابی دارد به عنوان راهنمای آماده ساختن کتاب. معادل این جمله می‌شود: این کتاب مرجع برای صاحب فکران و صاحب نظران سودمند است. مثال برای عربی نویسی: طبق روال سنوات ماضی روز میلاد امام رضا (ع) به مشهد خواهیم رفت. معادل فارسی آن می‌شود: همچون سال‌های گذشته سالروز امام رضا (ع) به مشهد خواهیم رفت. جمله طبق روال سنوات ماضی شد عربی نویسی افراطی.

راه بعدی برای فارسی کردن جمله پرهیز از لاتینی نوشتن است. هدف او از لابی با دبیر کل ساپورت پکیج پیشنهادی بود. هدف او از مشورت با دبیر کل حمایت بسته پیشنهادی بود. راه دهم ساده کردن جملات است. مثال: این موضوع که در کمیته مربوطه نیز بررسی خواهد شد بر اساس نتایج گردهمایی رؤسای مراکز آموزش عالی در زمینه همکاری با صنایع کشور که در آبان ماه سال گذشته بوده است در حضور وزرا فرهنگ و آموزش عالی برگزار شد تنظیم گردیده است. جمله نامفهوم و پیچیده شده است و هم طولانی و هم جابجا است. دستور زبان فارسی ویژگی و مختصات خودش را دارد، دستور زبان فارسی هم ویژگی و مختصات خودش را دارد. یک راه دیگر برای مفهوم‌تر کردن جمله رفع ابهام از جملات است. که جدیداً اسم ابهام را گذاشتن کژتابی. از ویژگی‌های مقاله علمی پژوهشی این است که باید پیام تک صدایی، تک معنایی باشد. و این ابهامات باید در مقالات علمی رفع شود و پیام شفاف و روشن باشد و مستقیم به خواننده منتقل شود.

مثال: آقای رئیس به اداره وارد و امضاء کردن نامه‌ها مشغول شد. مشکل این کجاست قاعده آن این است: حذف فعل باید با قرینه باشد. اگر با قرینه باشد. یعنی یک فعلی که مشابه آن در آخر باشد. آقای رئیس به اداره وارد و امضاء کردن نامه‌ها مشغول شد. در این جمله گفتیم حذف فعل می‌تواند انجام شود. اما یک قرینه، یک فعل باید

مشابه آن در آخر جمله باشد. ما در آخر جمله داریم مشغول شد پس یک شد داریم که می‌توانیم آن را حذف کنیم اما اگر بود به امضاء کردن نامه‌ها پرداخت آن وقت مشکل پیدا می‌کرد. پرداخت فعل غیر مشابه است با شد. حتماً وقتی پرداخت بود ما باید آن شد را بگذاریم. پس قرینه یا یک فعل مشابه داریم می‌توانیم این شد را به خاطر اینکه تکرار نشود حذف کنیم. ملاک، میزان و مبنا چیست؟ همزه جزء حروف عربی است و ما در زبان فارسی نداریم به خصوص در وسط و پایان کلمه مثلاً بفرمایید حتماً با دو یاء نوشته شود.

آیین نگارش، اما می‌رویم سراغ زبان عربی که وارد زبان فارسی شدند و دو همزه دارند. آیا شرایط که وارد زبان فارسی می‌شود با بگوئیم شرائط یا جایز را بگوئیم جائز؟

این جا چند تا نظر است بعضی‌ها گفتن چون که ما همزه در زبان فارسی نداریم تمام این کلمات عربی وقتی وارد زبان فارسی می‌شوند و تبدیل به «یاء» می‌شوند. اما استثناء هم قائل شدند گفتند در صورتی که همزه جزء حروف اصلی نباشد. شیوه دیگری که در این قضیه است این است که ما تا آنجایی که می‌توانیم باید با زبان گفتار نزدیک شود ما باید نگاه کنیم زبان عربی که وارد زبان فارسی شدند اگر با یاء تلفظ شوند با یاء اگر با همزه تلفظ شوند با همزه می‌نویسیم. در جایی که تبدیل به یاء نمی‌شوند همزه را حفظ می‌کنیم.

هفتم این است که ما باید قوانین را به درستی پیاده کنیم. باز پیاده کردن در معنای خودش به کار نرفته ما باید قوانین را به درستی اجراء کنیم. آیا قوانین که جمع قانون است اصل بر این است که کلمات عربی را با نشانه‌های جمع فارسی جمع ببندیم. یکی از مواردی که گاهی حشو پیش می‌آید اینجاست که ما اگر یکی را برداریم مشکلی پیش می‌آید؟ گاهی وقت‌ها اگر در معنا مشکلی پیش بیاید یکی از آن را باید حذف کنیم. مثال: من علاقمند هستم که. آیا این کلمه درست است؟ چرا «ها» را انداختند؟ «مند» پسوندی است در زبان فارسی. دانش + مند = دانشمند. یعنی کسی که دارای دانش است. مثال: این آیین‌نامه اکنون قابل اجراء نمی‌باشد.

این جمله چه مشکلی دارد؟ قاعده آن این است که به خاطر اینکه نزدیک شود به زبان گفتار باید بگوئیم. این آیین - نامه اکنون قابل اجراء نیست. ما در یک کتاب بیست نکته در مورد بد سخنرانی کردن آوردیم که هر کسی که این بیست نکته را داشته باشد از آن دعوت به سخنرانی نخواهیم کرد. آیین‌نامه کلمه مرکب است و باید سره هم نوشته

شود اما یک استثناء قائل شده است اگر حرف آخر کلمه اول با حرف کلمه دوم مشابه باشد باید آن را جدا

بنویسیم.

کارگاه آموزش ویرایش «استاد عبدالرحیم موگهی» جلسه ۴

یکی از پایه‌های اصلی ویرایش درست‌نویسی است که ما باید اول متن را درست بنویسیم بعد برویم سراغ مرحله زیبایی. اگر یک متنی زیبا باشد اما یک غلط املائی داشته باشد مانند این است که یک لکه سیاه در یک تابلو نقاشی باشد. ما در زمینه درست‌نویسی قواعد مختلفی داریم به خصوص در زبان عربی این قواعد برای ما راحت‌تر است. که این قواعد معمولاً برای ما در دستور زبان مطرح می‌شود. قواعد دستور زبان در قواعد است. یکی از کتاب‌هایی که مناسب است در این زمینه کتاب دکتر انوری و دکتر احمدی که در جلد کتاب دستور زبان نوشتند جلد یک دستور زبان مقدماتی و جلد دو دستور زبان پیشرفته. کتاب دیگری است در این زمینه فرهنگ درست‌نویسی سخن. اگر ما بتوانیم دستور زبان را در قالب تمرینات و جملات پیاده کنیم شیرین می‌شود. مثال: توسط رئیس دانشگاه روز چهارشنبه تعطیل اعلام شد.

در دستور زبان فارسی هر وقت فاعل معلوم باید فعل معلوم باشد. آیا ما در این جمله فاعل مجهول داریم که گفتیم تعطیل اعلام شد؟ فاعل معلوم است. پس ما باید این جمله را از جهت نگارشی و ویرایشی حساب کنیم. از قواعد دیگری که ما در دستور زبان فارسی به آن اشاره کردیم یک سری چیزها مختص زبان عربی است. تنوین مخصوص کلمات عربی است برای کلمات غیر فارسی نباید استفاده شود. مثل خواهشاً، تلفناً. قاعده بعدی که داریم

این است که یاء مشدد با ت در

زبان عربی علامت مصدر صناعی

زبان عربی علامت مصدر جعلی

زبان عربی علامت مصدر ساختگی

در زبان عربی مصدر به گونه‌های مختلفی ساخته می‌شود. اما یک مصدر دارند عرب‌ها «یاء مشدد» با «ت» که این هم باید برای کلمات عربی استفاده شود. وقتی که ما این قاعده را یاد گرفتیم کلمات غیر عربی را نباید با این «یاء مشدد» با «ت» حالت مصدری بگیریم.

انسان عربی است: انسان + یت = انسانیت که معنای انسان بودن دارد این مصدر معنای بودن دارد. یاء مشدد با ت برای کلمات غیر عربی استفاده نمی‌شود. قاعده دیگری که ما داریم حشو قوی است که اشاره کردیم حشو یعنی چیزی که اضافه است. که هم قبیح هم عبارت زائد دارد. آقای محمد اسفندیاری مقاله حشو قوی را در قالب پژوهش نوشته و بسیار مثال‌ها می‌توان پیدا کرد. قاعده دیگری که داریم این است که نشانه «الف» و «ت» در زبان عربی است. بین دستورنویسان و زبان‌شناسان یک اختلافی است و اختلاف هم شنیده‌اید آیا غلط مشهور ما مقدم بداریم یا صحیح مهجور؟

معمولاً دستور نویسان می‌گویند ما باید برویم سراغ صحیح. زبان‌شناسان یک مقدار انعطافشان بیشتر است. حتی ممکن است زبان‌شناسان بگویند پیشنهادات هم اشکالی ندارد.

ما در زبان فارسی کلماتی که مفتوح داشته باشد بعدش کلمات «یاء» داشته باشد به صورت کسره تلفظ می‌کنیم مثل بین‌المللی می‌خوانیم بین‌المللی.

ارجاع دو نوع است که ویراستار باید به آن دقت کند.

۱. درون متنی

۲. برون متنی

الان در مجلات علمی پژوهشی رتبه برتری دارد معمولاً الان دارند بدون متنی را رایج می‌کنند ولی برون متنی که همان پاورقی می‌شود غالباً قبلاً بوده. در برون متنی تنها چیزی که بوده فامیلی نویسنده و سالی که نظریه خودش را منتشر کرده که می‌شود سال انتشار کتاب. ما باید سال انتشار کتاب که در حقیقت این نظریه، این ایده مطرح شده بیاید.

پس نام و نام‌خانوادگی می‌آید و سال انتشار کتاب آن هم به خاطر اینکه ما بدانیم این نظریه چه زمانی مطرح شد و شماره صفحه این اصل اولیه است.

حالا فروعاً: یکی از فروعاً این است که اگر احیاناً شما از حماسه حسینی شهید مطهری استفاده کردید که در سال ۶۲ چاپ شده وقتی شما فهرست منابع را می‌دهید طبق حروف الفبا تنظیم می‌شود.

دو نکته در منبع باید رعایت شود: ۱. معتبر بودن ۲. دقیق بودن

معمولاً فهرست منابع یا باید در آخر بیاید یا باید در اول کتاب بیاید. در بحارالانوار جلد ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ جایی که در فهرست منابع چون که باید تنظیم الفبایی شود خواننده سریع آن منبعی که می‌خواهد پیدا کند ما باید با فامیلی شروع کنیم اما در پاورقی همچین چیزی نداریم. آیا در پاورقی اول باید مشخصات را کامل بیاوریم؟ بعضی‌ها می‌گویند وقتی در فهرست منابع مشخصات کامل است نیازی نیست شلوغ کنیم هر کسی علاقه‌مند است در فهرست منابع جستجو کند.

و بعضی‌ها می‌گویند بار اول را کامل بیاوریم بار دوم که آدرس می‌دهیم نیازی نیست که مشخصات کامل بیاد. آیا باید بگوییم المیزان یا باید بگوییم المیزان فی التفسیر القرآن؟ یا باید بگوییم بحارالانوار یا بحارالانوار ائمه اطهار؟ می‌گویند نه خیلی طولانی نکنیم همین که به بحارالانوار شهرت پیدا کرده دیگر آن اضافات را نیازی نیست ذکر کنیم.

۲ نکته در مورد پاورقی باید بگوییم این است که در منبع باید رعایت شود حداقل ۱. معتبر بودن ۲. دقیق بودن. بحارالانوار ۲ جلد کتاب دارد یک چاپ ایران یک چاپ بیروت که تفاوت دارند در چاپ ایران بر خلاف رایج معمولاً فهرست کتاب باید به شیوه علما آخر بیاید تا فهرست مطالب در اول کتاب بیاید. در چاپ بیروت این ۳ جلد را آخر برده است که درست هم است. جلد ۵۰ و ۵۱ و ۵۲. وقتی سه جلد آخر برود چه تفاوتی در منبع نگاری پیش می‌آید؟ تا جلد ۵۰ در چاپ ایران و بیروت یکسان‌اند اما وقتی رفتید به جلد ۷۰ باید حواستان باشد. چاپ ایران اگر باشد یا چاپ بیروت در چاپ بیروت ۳ جلد کمتر می‌شود چون که آن سه جلد ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ که در وسط بوده در چاپ بیروت رفته آخر قرار گرفته. ما این تفاوت‌ها را باید در منبع‌نگاری بیاوریم و معتبر بودن آن خیلی مهم است. در بحارالانوار اگر دقت کنید یک جا «کا» گذاشته یعنی علامت اختصاری کافی، این روایت را از کافی گرفتند و یک جاهایی «ل» گذاشته که معنی آن می‌شود خصال شیخ صدوق. بعضی جاها هم نیاورده است. از جمله جاهایی که نیاورده است جلد سوم بحارالانوار که مختص حضرت زهرا (س) است. اولاً که منبعی ندارد که

از کدام کتاب گرفته شده است. راوی هم یک نفر بیشتر نیست و از همه مهم‌تر مرحوم مجلسی جمله‌ای دارد قبل از این روایت که خیلی هم طولانی است.

من در بعضی از کتاب‌ها خبری دیدم دوست داشتم این خبر را برای شما نقد کنم و اگر چه این حدیث را از آن منابع اولیه‌ای نگرفتم که بشود به آن اعتماد کرد.

ما در چیزهایی که می‌خواهیم نقد کنیم باید یک دقت کنیم که منبع معتبر باشد و دو اینکه دقیق باشد. بحارالانوار صفحه ۵۱ نامشخص است ما در منبع‌نگاری باید مشخص باید مشخص کنیم آیا با ترجمه است یا بی‌ترجمه است که خواننده وقتی می‌خواهد آدرس پیدا کند با مشکل روبرو نشود اگر بحث علمی باشد باید برویم سراغ چاپ جدید آن کتاب. در بحث‌های علمی باید آخرین چاپ را ملاک قرار دهیم. ممکن است نویسنده خودش تجدید نظر کرده باشد. متن ذیل را به هر صورت که می‌توانید اصلاح کنید. (در زبان فارسی واژه رایج و مأنوس داریم استفاده کنیم) متن زیر را نه متن ذیل را. پس اگر از جهت کلمات بخواهیم اصلاحی انجام دهیم واژه فارسی آن قشنگ‌تر و مأنوس‌تر است. آیا نقطه ویرگول لازم است این‌جا؟ نقطه برای مکث طولانی ویرگول برای مکث کوتاه نقطه ویرگول برای مکث متوسط. آیا می‌دانید باید سر هم باشد؟ در رسم الخط «می» را جدا می‌کنند اگر این‌جا علامتی بخواهد دیگر نیازی به نقطه ویرگول نیست.

بحث دیگر بحث تکرار است. التکرار مُعِل فقط یک قاعده ادبی نیست بلکه یک قاعده نگارشی است. ادبی ۴ حرف است، یکی دو تا حرف آن را جابه‌جا کنید می‌شود ادبی فقط یک قاعده ادبی نیست بلکه یک قاعده ابدی است. تا جایی که امکان دارد ما باید از تکرار خودداری کنیم. در تشدید هم توجه داشته باشید بعضی از کلمات تشدید ندارند و ما اشتباهاً روی آن تشدید می‌گذاریم. و بعضی از کلمات تشدید دارند اما ما جای آن‌ها را اشتباه می‌گذاریم مثل: اُبْهَتْ که اُبْهَتْ درست است.

نظریات و پیشنهادات دیگران مستفیض گردید. این جمله دو شکل دارد. مستفیض عبارتی است علمایی که این‌جا، جای آن نیست که خیلی‌ها متوجه نمی‌شوند در کلمات غیر عربی تنوین نمی‌گیرند و تنوین مخصوص کلمات عربی است. اقلأً و اکثراً عربی هستند و تنوین نمی‌گیرند چون که غیر منصرف هستند. به جای اکثراً باید بگوییم

اکثر یا بیشتر یا به جای اغلن باید بگوییم کم تر. نظر ۳ حرفی بر وزن «فَعَلَ» الف و ت نمی گیرد به جای آن می شود انظار، نفر می شود انفار این کلمات در دستور زبان فارسی معادل ندارند دبه جای آن باید دنبال معادل آن بگردیم.

به نام خداوند اهل قلم

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع): هر که با کتاب آرام گیرد، هیچ آرامشی را از دست ندهد. (غررالحکم)

کتاب شناسی دارای اقسام گوناگونی است همچون:

کتاب شناسی توصیفی

کتاب شناسی تحلیلی

کتاب شناسی انتقادی

کتاب شناسی موضوعی

کتاب شناسی الفبایی

کتاب شناسی گزینشی

آنچه به قلم آمده، معرفی ۵۰ عنوان کتاب در موضوع نگارش و ویرایش به صورت کوتاه و ترتیب الفبایی عناوین آنهاست و با در نظر گرفتن علاقه مندان مختلف به نگارش و ویرایش و زمینه های گوناگون این موضوع عناوینی که دارای نشانه (ه) است از الویت نسبی بیشتری برخوردار است.

۱. آیین نگارش، حسین آذران، انتشارات شرق

۲. آیین نگارش، احمد سمیعی (گیلانی) مرکز نشر دانشگاهی

۳. آیین نگارش علمی، عباس حرّی، هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور

۴. آیین نگارش مقاله های علمی - پژوهشی، محمود فتوحی انتشارات سخن

۵. آیین نگارش مقدماتی و پیشرفته، حسین انوری و هوشنگ ارژنگی. انتشارات پیام

۶. آیین نگارش مکاتبات اداری، سید کاظم امینی، مرکز آموزش مدیریت دولتی

۷. آیین نگارش و ویرایش. حسین انوری و علی محمد بشت دار
۸. از فن نگارش تا هنر نویسندگی، حسین احمدی گیوی
۹. البته واضح و مبرهن است که ... (رساله‌ای در مقاله‌نویسی) ضیاء موحد
۱۰. انواع ویرایش، ابوالفضل طریقه‌دار، بوستان کتاب
۱۱. بازاندیشی در مباحثی از نشر و ویرایش، عبدالحسین آذرنگ
۱۲. بر بال قلم، سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)
۱۳. بر سفید سخن، نادر وزین پدر، انتشارات فروغی
۱۴. بهار سخن، حسین دهنوی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۵. پژوهش و نگارش، علی صلحجو، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۶. تراز با روش نویسندگی، اسدالله مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۷. درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی، میر شمس‌الدین ادیب سلطانی
۱۸. درباره ویرایش، مجموعه مقالات مرکز نشر دانشگاهی
۱۹. درسنامه نگارش، نظیفه سادات مؤذن با همکاری گروه ادبیات فارسی
۲۰. در گیرودار کتاب و نشر، کریم امامی
۲۱. دستور خط فارسی، فرهنگان زبان و ادب فارسی
۲۲. راهنمای آماده ساختن کتاب، میر شمس‌الدین ادیب سلطانی
۲۳. راهنمای نگارش و ویرایش، محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح
۲۴. راهنمای نویسنده و ویراستار، ایرج جهان‌شاهی، شورای کتاب کودک
۲۵. راهنمای ویراستاری درست‌نویسی، حسن ذوالفقاری، نشر علم تهران
۲۶. راهنمای ویرایش، غلامحسین غلامحسین‌زاده
۲۷. روش نویسندگان بزرگ معاصر، حسین رزمجو

۲۸. روش‌ها، جواد محدثی

۲۹. شیوه‌نامه دانشنامه جهان اسلام احمد سمیعی

۳۰. شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی، مرکز نشر دانشگاه

۳۱. شیوه‌نامه ویرایش، محمدرضا محمدی‌فر، انتشارات وزارت و فرهنگ ارشاد اسلامی

۳۲. شیوه نگارش، مرتضی کاخی، انتشارات امیرکبیر

۳۳. غلط نویسیم، ابوالحسن نجفی

۳۴. غلط‌های رایج گفتاری و نوشتاری و دانستنی‌های نگارش، سید محمد حسن جواهری

۳۵. فرهنگ درست‌نویسی سخن، حسن انوری و یوسف عالی عباس‌آبادی

۳۶. فرهنگ غلط‌های رایج، حسن عرفان، دفتر مطالعات

۳۷. کتاب پژوهی، محمد اسفندیاری، نشر خرم